

۱

چشمداشت نامه کار

چون آهنگ نامه کار در کارش نامه داستان
ترک تازان هند انجمنه اندیشهای چندمی بود که از
آنها یکی بدست آوردن سودی بود برای خود را
روی سپارش رجستر کردن آن تاگزیری می نمود
و کرچه در خامه رو هند سرکار انگریز و سرکار
نظام دکن این نامه رجسترو سپارش شد
مگر چونکه کارخانه های چاپ و باسمه و مانند
آنها چه سرکاری چه سوداگری در دیگر کشور
های رومی زمین نیز بسیار میباشند پس درباره
چاپ و باسمه نشدن این نامه در کشورها سیکه
برای سپارشش و رجستر کردن آن دستری
نیست چشمداشت نامه کار بر دوسوی است

یکی بردستی آیین دادگرا نه کار گزاران سرکار
 شاهنشهان و خسروان و شاهان و راجگان کشور
 و خداوندان و بزرگان هر سرزمین است که در
 جا کارخانه چاپ و باسمه و مانند آنها برپاست
 دیگری برگزشت و جوالمردمی دارندگان و کار
 فرمایان کارخانه های چاپ و باسمه است در
 کشوران دیگر که از رگه زر اندک سودمی که در چاپ
 نمودن این نامه برای خود اندیشند بهنمون
 زیان بسیاری برای نامه نگار نشوند
 پس از آن هرگونه امیدی که هست بر دادگری
 پاک نزدان بزرگ است و بس که نکوکار را
 پیادایش و بدکردار را بیفرساند.

دستی

فهرست برگزیدهها و رویدادها کل سوهین استان تهر کتاز این سند بهر شهابی پور سال

سال تاریخی سال فرنگی	رومی	گفتار در
		<p>گفتار در بر تخت نشستن اوزنگزیب فرام عیار بر خود نهادن - دست کشیدن اوزنگزیب از وصال کردن دارا و روی نهادنش بدلی برای بستن راه شاهرزاده شجاع که با شکر بنگال آهنگ و بی جنبش ^{بود}</p>
۱۴۵۸	۱۰۶۹	<p>۶ بازگشت اوزنگزیب فیروزمند به آگره و گریختن شجاع به بنگال جنبش راجه جونت آهنگ سالی شهنشاه و آگاهی یافتن اوزنگزیب و فرستادن وزیر</p>
۱۴۵۹	۱۰۶۹	۱۳

فہرست

گفتار اور	روی	سال تازی	سال فرنگی
سوار برای گرفتن سرِ راه او - نوسید شدن دارا از پاری جسوت و روی نهادنش از کجرات بہ اجمیر -	۱۴	۱۰۶۹	۱۶۵۹
رسیدن آگہی گرفتاری دارا بہ اورنگزیب -	۱۹	"	"
فرمان دادن اورنگزیب بزندان نمودن دارا در زیر زنجیر پس از گردانیدنش بر پیل پالانی در کوچه و بازار -	۲۵	"	"
کشته شدن دارا شکوہ بفرمان اورنگزیب -	۲۶	"	"
	۲۸	"	"

فہرست

گفتار و	روی	سال ماہ	سال فر
پیوستن شاہزادہ محمد سلطان بہ شجاع۔	۳۱	۱۰۶۹	۱۶۵۹
باز آمدن محمد سلطان از در پوزیشن نزد پدر و زندان نمودن اوزنگزیب اورا در			
گوالیار۔	۳۴	۱۰۷۰	۱۶۶۰
گرینجتن شجاع بہ داکہ و رفتن			
(پیر حلیہ) در پی او	"	"	"
گرفتار شدن سلیمان شکوہ فرزند دارا شکوہ و زندان شدنش	۳۷	۱۰۷۱	۱۶۶۱
سہ نهادن راجہ بیگانہ پیر فرمان			
پس از سر کشیہا۔	۴۰	۱۰۷۲	۱۶۶۱

فهرست

گفتار و در	روی	سال تناز	سال فر
فرستادن (میر حمله) آلهی فیروزیهایی خود را در سواندهای بنگال مردن (میر حمله) به سنگام بازگشتش از آسام پیش از رسیدن به داکه -	۳۱	۱۰۷۲	۱۶۶۲
بنیاد خانه مرآت بزرگترین پلاک دستیهای سیواجی -	۴۲	۱۰۷۳	۱۶۶۳
کشته شدن افضل خان بدست سیواجی -	۴۵		
شکست دادن شایسته خان سیواجی را و کشته شدن پسرش از فریب و چالاکي او -	۶۳		

فهرست

گفتار و	روی	سال تازی	سال فرنگی
تاریخ نمودن سیواجی شهر سورت را -	۷۶		
بالا گرفتن کارهای شرکت تازی سیواجی سپرد نمودن سیواجی خود را بر جمعی سینگ بهادر -	۷۹	۱۰۷۶	۱۴۶۵
رفتن سیواجی به دلی و گرفتار شدنش در آنجا -	۸۲		
گرفتن سیواجی از دلی و رسیدنش به رای گر -	۹۱	۱۰۷۷	۱۴۴۶
مردن شاه جهان -	۹۷	۱۰۷۸	"
آغاز جنبشهای جنگجویانه سیواجی در آمدن مهابت خان بدکن و	۱۰۱	(۱۰۷۶)	"
	۱۱۲	۱۰۸۰	۱۶۷۰

فہرست

گفتار دور	روی	سال تازی	سال فرنگی
روی ہمدانش بچنگ سیواجی شکست خوردن شکر اورنگزیب	۱۱۸	۱۰۸۱	۱۶۷۱
از مرانہ۔	۱۲۰	۱۰۸۲	۱۶۷۲
پرداختن اورنگزیب بچنگ افغانان برین خاوری۔	۱۲۲		
آشوب افگندن گروہ سناری گراشتن اورنگزیب با آزاد را (خریب) برہندوان	۱۲۷	۱۰۸۴	۱۶۷۴
شنیدن راجہ جونت سینگ از آزادیہا و مردنشان از اندو	۱۳۲	۱۰۸۶	۱۶۷۶
شکرکشی اورنگزیب بر سر براندای اوپپور۔	۱۳۸	۱۰۸۸	۱۶۷۷
	۱۴۳	۱۰۸۹	۱۶۷۹

فہرست

گفتار در	روی	سال تازی	سال ہجری
فراجہ آوری اور نگزیب شکرہای خود را در اجمیر۔	۱۴۴	۱۰۹۰	۱۶۸۰
پیوستن شایزادہ اکبر با سپاہ خود بزرگان راجپوت۔	۱۴۹		
آشتی کردن اور نگزیب با رانا و بازگشت اندیشہ اش بدکن۔	۱۵۴		
چگونگی و ہنار کارہای دکن۔	از ۱۵۸ تا ۱۸۲	از ۱۰۸۲ تا ۱۰۹۱	از ۱۶۷۲ تا ۱۶۷۹
مردن سیوا جی۔	۱۸۸	۱۰۹۱	۱۶۸۰
خوی و کواکس سیوا جی بر نشاندن برہمنان راجہ نام فرزند کوچک سیوا جی راجہ	۱۸۹		

فہرست

گفتار اور	روی	سال تازمی	سال فرنگی
او و بازگرفتن سنباجی تحت پدر را از برادر کمتر و بکفر رسانیدن برہمان -	۱۹۲	.	.
روی نهادن اورنگزیب کین پس از آشتی بارانامی اودیو نامزد فرمودن اورنگزیب دو فرزند خود را کشور سنباجی و سوان	۲۰۲	۱۰۹۵	۱۶۸۳
بیجا پور روی نهادن اورنگزیب با احمد و فرمان دادش بشاہزادگان	۲۰۳	۱۰۹۶	۱۶۸۴
برای تاختن بر بیجا پور جنش اورنگزیب بسوی شہر	۲۰۴	۱۰۹۷	۱۶۸۶

فہرست

گفتار و ر	روی	سال - روی	سال قمری
بجالور۔ فرستادن اور نگزیب خواجہ عابد خان را یہمانہ بازیافت نہ پیشکش از ابوالحسن) با سائ آراستہ بدکن و روی نہاد	۲۰۷	۱۰۹۶	۱۶۸۶
دکیر بارہ بہ بیجاپور سپر سکندر بیجاپور البر داران پادشاہی و فرستادن اور نگزیب	۲۲۰	"	"
اور را بہ دژ دولت آباد۔ روی نمودن اور نگزیب بسوی	۲۲۳	"	"
گلکنده۔ کشادہ شدن دژ گلکنده	"	"	"

فهرست

گفتار دور	روی	سال تناز	سال و
و گرفتار شدن ابوالحسن نامزد فرمودن اوزنگزیب خود را برای بچنگ آوردن حامه روحیدر آباد و بدست آوردن خودش گنجینه و اندوخته و سامانهای پادشاهی آن را و روی نهادنش بید و فرستادنش ابوالحسن را در دژ دولت آباد (او در بهانجا پس از چارده سال ببرد) و زندان نمودنش شامزاده معظم را با زن و فرزندانش	۲۳۳	۱۰۹۸	۱۴۸۷
	۲۳۵	۱۰۹۹	۱۴۸۸

فہرست

گنتار دور	روی	سال ناری	سال فر
پناہ بردن شاہزادہ اکبر مارا و گرفتار شدن سنباجی و کشتہ			
شدنش بفرمان اورنگزیب گرفته شدن و ذرا می گرویدست	۲۴۰	۱۱۰۰	۱۶۸۹
آمدن فرزند کوچک سنباجی فرستادن اورنگزیب ذوالفقار پیر اسدخان را بگرفتن و ذرا	۲۴۹	۱۱۰۱	۱۶۹۰
جنجی - شاه کار را چنڈر کہ در ستارہ برای بندوبست با زمانہ کشور مرآتہ نگاشته شدہ بود در گردآوری سپاہ -	۲۵۲	۱۱۰۲	۱۶۹۱
	۲۵۵	۱۱۰۴	۱۶۹۲

فہرست

گفتار و	روی	سال تازی	سال فرنگی
براس یافتن سرداران اورنگزیب از ترک تازیہائی مرآتہ و فرستادن شکر تازہ با شاہزادہ کام بخش بر در حنجی و بد آمدن ذوالفقار خان از آن کار۔	۲۶۷	۱۱۰۵	۱۶۹۳
پیوستن شاہزادہ کام بخش بہ اسدخان۔	۲۶۸	۱۱۰۶	۱۶۹۴
شکر گاہ ساختن اورنگزیب بیراپوری را و جنگ در انداختنش با پرتگیزیان۔	۲۷۰	۱۱۰۷	۱۶۹۵
جنگ در انداختنش با انگریزان بر در ڈربستی۔	۲۷۱	۱۱۰۸	۱۶۹۶

فهرست

گفتار در	رومی	سال تازی	سال فرنگی
بدبختان شدن اوزنگزیب اردو الفقار خان -	۲۸۱	۱۱۰۹	۱۶۹۷
گرفتن ذوالفقار خان و شرینجی را پیوستن سرداران متآباشکر شان به راجه رام و تاختن او شهرها و آبادیهای برنی را و برخوردنش به ذوالفقار خان و شکسته و پزیشان شدنش از فشار سپاه او -	۲۸۲	"	۱۶۹۸
ریختن اوزنگزیب کرده تازه برآ کاستن زور مراجه و گرفتن او و ذریهای آن گروه را از روی	۲۸۷	۱۱۱۱	۱۶۹۹

فہرست

گفتار دور	روی	سال تازگی	سال فرسنگ
ہمان گروہ و مردنِ راجہ رام	۲۸۸	۱۱۱۱	۱۶۹۹
کشادہ شدنِ دژ ستارہ - مردنِ راجہ رام و نشاندنِ بزرگانِ مرآتہ فرزندِ مہترش سیواجی نامِ را کہ وہ سالہ بود بجای او۔	۲۹۵	۱۱۱۱	۱۶۰۰
خومی و کواسی راجہ رام۔ گرفتنِ شکرِ مغولِ دژ ہاس مرآتہ را و بلرزشِ افتادنِ بنیادِ شہنشاہی از تباہ کاری اسے دیگر۔	۲۹۶	۱۱۱۱	۱۶۰۰
گرفتنِ شکرِ اوزکزیبِ دژ پناک	۲۹۸	۱۱۱۱	۱۶۰۰
اسے دیگر۔	۲۹۹	۱۱۱۱	۱۶۰۰

فہرست

کھتا ر دور	رومی	سال تناز	سال فر
با ڈڑہاسے دیگر کشادن اوزنگزیب دژ	۳۰۸	۱۱۱۲	۱۷۰۱
واکینکیرہ را آگهی رسیدن ترکمانسے شکرگرائی از مرآتہ آنسوی	۳۰۹	"	"
نژدہ را بازگشت اوزنگزیب بہ احمدگر پس از بمبیت سال باکو	۳۱۱	۱۱۱۶	۱۷۰۵
پریشان و سری بی سامان پرو و کردن اوزنگزیب	۳۱۹	۱۱۱۸	۱۷۰۷
زندگی ناپایدار را	۳۲۱	"	"
خوی و کواکس او	۳۲۲	"	"

فہرست

کھج	رومی سال	سال تناز سال	گفتار دور
۱۷۰۷	۱۱۱۸	۳۴۶	بہادر شاہ پور اور مغرب - آمدن شاہزادہ معظم از کابل و کشتن او بر اوران خود را در جنگ و بدست آوردن تحت شہنشاہ
۱۷۰۷	۱۱۱۹	۳۴۹	ہندوستان را -
"	"	۳۵۵	کشتن عظیم شاہ -
۱۷۰۸	۱۱۱۹	۳۵۱	کشتن شاہزادہ کام بخش - و اگر آشتن بہادر شاہ کشوران کنیرا بہ ذوالفقار و گماشتن او داود خان پنی را بفرماندنی ان کشورستان و بسین داود خان پیمان
۱۷۰۸	۱۱۲۰	۳۵۳	تازہ با مرانگان در ہائی راجہ ساہو -
۱۷۰۹	۱۱۲۱	۳۵۸	پامی گرفتن گروہ سیک در پنجاب
۱۷۱۴	۱۱۲۴	۳۸۰	مردن بہادر شاہ در لاہور -

فهرست

گفتار و	روی	سال تناز	سال و
خوی و کواس او -	۳۸۰		
جهاندارشاه	۳۸۱	۱۱۲۴	۱۷۱۲
کشته شدن رفیع القدر جهان شاه و دستور بزرگ ختن			
جهاندارشاه ذوالفقارخان را	۳۸۴	"	"
شکر کشیدن و خیر بیک سید عبدالمدخان باره			
فرمانده بهار و برداشتن سید حسینعلیجا باره فرمانده			
اله آباد از بنگال بر سر روی و سپردن و ذوالفقار			
خان جهاندارشاه را و کشته شدن او و جهاندار			
بفرمان فرخسیر -	۳۹۰	"	"
کنونه های جهاندارشاه -	۳۹۷		
فرخسیر و دست کشايش بگشتم بزرگان و			
اقادین لکام کشور بدست سیدها -	۳۹۸	۱۱۲۵	۱۷۱۳

فهرست

کتاب	رومی	سال تا سال	گزارش
۱۷۱۵	۳۱۸	۱۱۲۷	فرستادن فرخسیر حسینعلی خان را بدکن - در از دستها گروه سیک و گرفتار شدن بنده
	۳۲۱		گروه شان و انجام کار ایشان بدست مسلمانان
۱۷۱۶	۳۲۳	۱۱۲۸	زهارخواستن بنده و بدست دادن در کوردستان کارگزاری حسینعلی خان در دکن و افرخته شدن آتش دشمنی میان فرخسیر و سیدها و سوخته شدن
"	۳۲۵	"	رخت هستی آن پادشاه -
۱۷۱۷	۳۳۱	۱۱۲۹	پیمان بستن حسینعلی خان با راجه ساپه و در دکن رشدن حسین علیجان با سپاه فراوان
۱۷۱۸	۳۴۳	۱۱۳۱	از دکن برودن به بی - گرفتن قطب الملک فرخسیر را و زندان منویش -
"	۳۵۰	"	

فهرست

کتاب	روى	سال تاز سال	گفتار در
			نشسته شدن فرخنده در زندان - کواس او -
	۴۵۳		
۱۷۱۹	۱۱۳۱	۴۵۴	بر تخت نشاندن قطب الملک رفیع الدرجات را
۱۷۱۹	۱۱۳۱	۴۵۴	مردن رفیع الدرجات و نشاندن سیدنا
	۴۵۷		رفیع الدوله را بجای او -
			مردن رفیع الدوله و بر تخت نشاندن سیدنا
			روشن اختر فرزند خبسته اختر جهان نشانه
			پورمبادر شاه را و خواندن او را
۱۷۱۹	۱۱۳۱	۴۶۰	(ابوالفتح ناصر الدین محمد شاه)
			پوشیده نمائید که اینک در پامین نوشته شده است
			روى رده غت درست
			۱۶۶۲ و ۱۶۵۲
			۳۰۶۱۲ و ۳۰۶۱۲

است
افتاده
کوم

از غت نامه کلاچ کوم

نام خداوند بخشنده بختايشگر مهربان
 بر تخت نشستن اورنگزيب و فرمان عالمگير
 بر خود گزارا شدن

چون اورنگزيب زيب اورنگ جهانداري هندوستان
 شد خود را عالمگير خواند و تختين جانش انجام داد
 کار دارا و شجاع بود مگر چون آنگهی یافته بود که
 سليمان شکوه که مانند راجه جي سنگ و دلير خان سردار
 شکرش نامور همراه خود دارد میخواهد خود را بياري
 پدر برساند باندیشه اينکه مبادا آن پسر و پدر هم رسیده

پرزور شوہدیکو نمونہ کارِ آنها را درست تر و تخت تر
دانستہ برای ونبال نمونہ وارا و بریدن راہ سلیمان
شکوہ با لشکر از دہلی برآمد و فرمان بہ دولت آباد فرستاد
کہ معظم خان (میرچند) از زندان توتخیانہ رہائی یابد
و بدرگاہ جہان پناہ شتابد چنانکہ او در آگرہ بارووی
گران شکوہ رسیدہ بنوازشہامی شاہانہ نازان گشت
و ارا شکوہ کہ پس از آن شکست بزرگ
از آگرہ بہ دہلی درآمد دو سہ روز آنجا ماند گنج خانہ
آنجا را بدست گرفت و از نو سپاہی گرد کردہ
روی بہ لاہور نہاد و گنجینہ بزرگ پادشاہی آنجا را
نیز بدست آوردہ لشکر کرانی فراہم نمود
چون ہر روزہ آگی آنچه در آنجا ہا زوسے پیداوبہ
اردوی سلیمان شکوہ میرسید جی سنگ و دیگر سپہ سالاران